

خیزش آب، خوزستان تشنه است!

اعلامیه حزب حکمتیست

دور جدید اعتصاب کارگران هفت تپه

دو واقعه، یک انتخاب!

آزادی پوشش یک حق پایه ای

صفحه ۵

پروین کابلی

بازداشت زنان در مهاباد و لکنت زبان ناسیونالیسم کرد!

صفحه ۷

ملکه عزتی

کمبود برق، مقصر جمهوری اسلامی است

صفحه ۹

سعید یگانه

مرگ بر طالبان،

چه در کابل چه

تهران!

سیاوش دانشور

منصور حکمت و مسئله کرد

(سمینار بازخوانی سیاست منصور حکمت در

قبال مسئله کرد- بخش سوم)

رحمان حسین زاده

اطلاعیه کمیته کردستان
حزب حکمتیست

در محکومیت ترور

ربین رحیمی پناهنده

سیاسی در سلیمانیه

در محکومیت تروریسم جمهوری اسلامی

ستون اخبار مبارزات کارگری و حرکت های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

۶۰۴

همبستگی
کمونست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۲۵ تیر ۱۴۰۰ - ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۱

اعتصاب نفت

جنبش همبستگی کارگری

کارگران مراکز اعتصابی اعلام کرده بودند که اجتماعاتی برای اعلام خواست هایشان برگزار خواهند کرد. در مقابل مخالفت هائی با این حرکت صورت گرفته بود. سیاستی که اصرار دارد کارگران باید در خانه بمانند، هیچ تجمعی مطلقاً برگزار نکنند و تا تجدید قرارداد پیمانکار با وزارت نفت منتظر بمانند؛ کارگران را به نیروی رقابت و کشمکش پیمانکاران و کارفرمایان تبدیل می کند. این سیاست اصرار دارد که قراردادهای جدید و گرفتن بخشی از خواستهها تنها با تجدید قرارداد پیمانکار با وزارت نفت ممکن است و پیروزی خود را بدو پیروزی پیمانکار میدانند. این سیاست میگوید "سیاسی نیست"، حتی علیه بحث سیاسی و اظهار نظر ساده کارگران است، اما پیشاپیش با یک ادبیات حکومتی سیاست شدت شناخته شده ای را پیش می برد. سیاستی که بر هر تجمع عادی کارگران مهر امنیتی می کوبد.

بعد از کش و قوسی که برسر برگزاری اجتماعات وجود داشت، بالاخره در شرکت های مختلفی کارگران با برگزاری مجمع عمومی، حمایت خود را از اعتصاب همکاران اعلام و بر اتحاد و ایستادگی تا تحقق خواست هایشان تاکید کردند. جنبش همبستگی کارگری از کارگران اعتصابی با برگزاری اجتماع کارگران از فولادشهر شروع شد

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعتصاب نفت

جنبش همبستگی کارگری ...

و به هفتجان رسید. سپس کارگران ایزه، آلیکوه، مسجد سلیمان، دهدز، اولاد حاج علی در تنگ گندمکار و پروژه نفتی مهران جهانپارس نیز به این حرکت پیوستند. این صحنه ها برآستی شورانگیز و یک نقطه قدرت مهم اعتصاب کارگران نفت است.

این اجتماعات اتحاد و همدلی میان کارگران را تقویت می کند، امکان بحث و تصمیم گیری فراهم میکند و به اعتصاب روالی منطقی میدهد. در هر اعتصاب و اعتراض کارگری، ایجاد یک اتحاد نسبتاً قدرتمند، مهمترین و کلیدی ترین مسئله رهبری اعتصاب است. ایجاد این اتحاد و بمیدان کشیدن آن کارهای قبل از شروع اعتصاب است. کارگران باید در طول اعتصاب متحد بمانند و متحد نگهداشتن کارگران اعتصابی در مقابل تحرک کارفرمایان و نیروهای سرکوب، باز مسئله محوری رهبران عملی کارگران است. تعریف پیروزی اعتصاب، نحوه مذاکره، کسب همه یا بخشی از خواستهها، و مهمتر، متحدتر بیرون آوردن کارگران از اعتصاب باز هم مسئله کلیدی رهبران عملی کارگران است.

حرکتهای اخیر و اعلام حمایت و همسرنوشتی طبقاتی، به ایجاد اتحاد قویتر کمک شایانی می کند. باید هشیارانه اتحاد کارگران اعتصابی را تحکیم کنیم و برای همبستگی گسترده تر کارگری در داخل و خارج کشور حول اعتصاب نفت بکوشیم. خوشبختانه تاکنون حمایتهای داخلی وسیع تر از هر زمانی بوده است. در سطح بین المللی، جدا از انعکاس

نسبتاً گسترده خبر اعتصاب نفت در رسانه ها، بخشی از سازمانها و اتحادیه های کارگری جهان از اعتصاب نفت و خواستههای کارگران حمایت کرده اند. امروز ضروری است در هر اعتصاب و اعتراض از دیگر اعتصابات حمایت شود. دردها مشترکند و جواب ها کمابیش مشترک اند. یک جنبش همبستگی کارگری میتواند جهتگیری عمومی تحرک اعتصابی را شفاف تر و همه گیرتر کند و فشاری فوق توان هر تک اعتصاب ایجاد کند.

امروز کارگران اعتصابی هفت تپه از سنگر اعتصاب، مجدداً همبستگی شان را با کارگران اعتصابی نفت و گاز و پتروشیمی اعلام کردند. جنبش همبستگی کارگری را گسترش دهیم. این حرکتی مهم برای تقویت اتحاد طبقاتی و پیشروی و پیروزی اعتصاب است. هر جا اتحاد کارگران ضربه میخورد، از هر منفذ تحریکات فرقه ای و منافع محدود و واپسگرا بیرون میزند یا فرصت جولان می یابد. واکنشینه کردن یک صف کارگری و یک مبارزه وسیع اعتصابی، در گرو حفظ و تقویت اتحاد کارگران در مراحل مختلف این مبارزه است. تحرکات اخیر کارگران و پیام های پرشور همبستگی، بیان ساده این واقعیت است که ما یک طبقه ایم، منفعت واحد داریم و اتحاد شرط ضروری هر مبارزه مشترک ماست. درود بر رزم و اتحاد کارگران نفت!

سردبیر.

۱۵ جولای ۲۰۲۱

در همبستگی با اعتصاب کارگران نفت و گاز و پتروشیمی

در حمایت از اعتصاب کارگران هفت تپه

روز شنبه ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۱ در مقابل سفارت رژیم اسلامی در لندن

۱۱ تا ۳ بعد از ظهر

Address: 16 Princes Gate, London SW7 1PT

تشکیلات بریتانیای حزب حکمتیت

خیزش آب، خوزستان تشنه است!



مردم خوزستان در منگنه گرمای سوزان و خشکسالی و فقدان آب آشامیدنی و بی اعتنائی مطلق مسئولین حکومتی گیر افتاده اند. مردم به طرح های انتقال آب در کنار قطعی مرتب آب اعتراض دارند. روز پنجشنبه ۲۴ تیرماه، جوانان و مردم عصبانی در شهرهای اهواز، آبادان، حمیدیه، بستان، قلعه کنعان، خرمشهر، سوسنگرد، شادگان، آزدگان، ملائانی و بندر ماهشهر دست به اجتماع و تظاهرات زدند. در اعتراضات امروز علیرغم حضور نیروهای انتظامی و یگان ویژه و امنیتی، جوانان و معترضین اقدام به مسدود کردن جاده ها و در مناطقی از اهواز مبادرت به کنترل محلات کردند. در میدانهای شهر اهواز از جمله بلوار پاسداران با آتش زدن لاستیک و مانع گذاری خیابانها را بستند. در شهرستان حمیدیه معترضین جاده ماهشهر - بندر امام را برای ساعاتی بستند. معترضان در شادگان و ماهشهر نیز جاده ها را مسدود کردند. در سوسنگرد نیز معترضین جاده اصلی اهواز- سوسنگرد را مسدود کردند.

آمدند و برخاستند. این خیزش صورتی دیگر از خیزش آبان و ادامه آنست. این بدرقه روحانی شیاد و خوش آمد به رئیسی جلاد است. این بیان این واقعیت است که برای مردم مسجل است که هیچ بخش این حکومت حتی لیاقت توزیع درست آب و برق و نان مردم را ندارد. مردم بدرست کل حاکمیت را مسئول این اوضاع فجیع میدانند و علیه آن مجدداً بمیدان آمده اند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از اعتراض برحق مردم خوزستان علیه طرحهای نسنجیده انتقال آب، علیه بی آبی و فقدان ابتدائی ترین نیازهای رفاهی و علیه حکومت اسلامی قویاً حمایت می کند. راه واقعی را در تجارب دیماه و آبانماه و سال جاری شناخته ایم. بمیدان آوردن قدرت اعتصابی و اعتراض توده ای علیه فقر و فلاکت، علیه بیکاری و بیماری، علیه بی برقی و بی آبی و بی سرپناهی، برای آزادی و برابری و رفاه همگانی، تنها راه اصولی و متحد کننده و موثر است. از تجارب سازمانیابی محله محور و منطقه محور آبانماه در اشکال پخته تر استفاده کنیم. از همزمانی اعتراضات برای فلج نیروی سرکوب و انتقال نیرو بهره بریم. سازمان های تدارک نبرد را در محلات از جمله شوراها مردمی تحکیم کنیم. حکومت را به تامین فوری آب آشامیدنی، معلق کردن طرحهای انتقال آب و تقسیم عادلانه آب موظف کنیم.

برخورداری از نان و آب و برق و سرپناه و آموزش و درمان و کار و نیازهای زندگی شرط بقای فرد و جامعه است. حکومتی که از تامین ابتدائی ترین نیازهای جامعه ناتوان است و یا نمی خواهد جوابگو باشد، تنها باید با نیروی قهر انقلابی سرنگون شود. از مردم دیگر شهرهای خوزستان و سراسر ایران دعوت میکنیم در حمایت از مردم ستمدیده و زحمتکش خوزستان و اعتصابات کارگری و اکنش نشان دهند، به صفوف اعتراض برای آزادی، برابری و رفاه همگانی بپیوندند و یکپارچه علیه حکومت فقر و نکبت اسلامی بمیدان بیاییم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
 ۲۵ تیر ۱۴۰۰ - ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۱

بی آبی و کم آبی در تمام کشور یک مشکل است اما بزرگترین ضربه را به خوزستان زده است. هوای بشدت گرم و بی آبی قابل تحمل نیست، زندگی مردم جلوی چشم شان دارد نابود میشود. دامداران و کشاورزان که زمین های زراعی شان بی آب مانده و محصولات و دام هایشان روزانه تلف می شوند، بارها اعتراض کردند و امروز جاده اصلی را بستند و علیه مسئولین دولتی شعار دادند. نیروهای سرکوب و گارد ویژه ضد شورش با تجهیزات در مقابل مردم صف کشید، گاز اشک آور پرتاب کرد و تیراندازی شروع شد. در شهرهای مختلف از جمله اهواز تظاهرکنندگان با خواندن یزله و حرکت دستجمعی صف سرکوبگران را شکستند و عقب راندند. مردم سوسنگرد راساً سراغ نیروی انتظامی رفتند و اجتماع اعتراضی شان را در مقابل مقر نیروی انتظامی برپا کردند. امروز همینطور تظاهرات و اجتماع کشاورزان روستاهای جنادله و خزرچ که به بستن آب به روی زمینهای زراعی شان اعتراض دارند، با نیروی انتظامی درگیر شدند و آنها را فراری دادند. بخشی از کشاورزان به اداره آب و فاضلاب رفتند و گاومیشی تشنه را برای دیدار با مسئولین وارد اداره کردند.

آخرین اخبار از کاهش زیاد سرعت اینترنت، تیراندازی نیروهای سرکوب، فضای ملتهب و اعتراضی در دیگر شهرهای خوزستان، اعلام وضعیت فوق العاده توسط نیروهای سرکوب، تحرک جوانان در محلات شهرها و امکان گسترش اعتراض در مناطق فقیرنشین و کارگری سخن می گوید.

عصبانیت بحق مردم زحمتکش خوزستان بسیار عیان و درعین حال مصمم است. مردمی منکوب شده، محروم نگاهداشته شده، غرق در فقر و محروم از بدوی ترین امکانات رفاهی، امروز از تشنگی به ستوه

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعلامیه حزب حکمتیست

دور جدید اعتصاب کارگران هفت تپه

هفت تپه حمایت می کند. اعتصاب هفت تپه در کنار اعتصاب نفت فضای جدیدی میان کارگران ایجاد می کند. جا دارد اینبار کارگران اعتصابی نفت و گاز و پتروشیمی ها از اعتصابیون هفت تپه حمایت کنند و جنبش اتحاد و همبستگی کارگری را گسترش دهند. هفت تپه ای ها موفق می شوند، اتحاد کارگران هفت تپه آن نقطه قدرتی است که خیلی ناممکن ها را ممکن می کند. درود بر رزم و اتحاد کارگران هفت تپه!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۲ تیر ۱۴۰۰ - ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۱

اعلامیه حزب حکمتیست

در محکومیت تروریسم جمهوری اسلامی

امروز چهارشنبه ۲۳ تیرماه، وزارت دادگستری آمریکا، طی بیانیه‌ای از خنثی کردن عملیات یک تیم چهار نفره وابسته به نهادهای اطلاعاتی ایران خبر داده که قرار بوده یکی از مخالفین سیاسی مسیح علی‌نژاد را از نیویورک برابند.

سیاست تروریستی جمهوری اسلامی در بیرون مرزهای ایران جدید نیست، لیستی طولانی از قربانیان ترورهای جمهوری اسلامی در خارج ایران وجود دارد. آنچه که جدید است تلاشها و عملیات های ر بودن و ترور یکی دو سال اخیر در کشورهای مختلف و با شیوه های مختلف بوده است. سازمانهای اطلاعاتی دولتهای غربی بر این تحرکات تروریستی اشراف دارند، اما نه فقط این اطلاعات را علناً اعلام نمی کنند بلکه بدلیل منافع شان در مذاکره و بند و بست با این حکومت تروریستی هستند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست قویاً براین نظر است که محیط سیاسی و اجتماعی نیروهای اپوزیسیون ایران باید ایمن و از عناصر و نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی مصون باشد. لازمه این، داشتن سیاست قاطع علیه این حکومت و تلاش برای برچیدن و بستن سفارتخانه ها و مراکز جاسوسی جمهوری اسلامی در خارج کشور است. هر حمله ای به هر نیرو و عنصر اپوزیسیون، به معنی گسترش دست و پای جمهوری اسلامی در جانی است که نباید باشد. حزب حکمتیست تلاشهای جویبانه و از سر استیصال تروریستی و آدم ربائی را تقبیح و محکوم میکند و ایرانیان آزادیخواه و نیروهای انقلابی و کمونیست را برای گسترش مبارزه علیه جمهوری اسلامی و بستن سفارتخانه ها و مراکز جاسوسی آنان دعوت می کند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۳ تیر ۱۴۰۰ - ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۱

امروز سه شنبه ۲۲ تیرماه، دور جدید اعتصاب کارگران هفت تپه در همه بخشها آغاز شد. امروز همینطور هژدهمین روز اعتصاب و اجتماع کارگران دفع آفات بود که قراردادهای کار آنها تمدید نشده است. اعتصاب همه بخشها و ادارات مجتمع کشت و صنعت هفت تپه که از امروز آغاز شده است، در اعتراض به عدم اجرای رای خلع ید از بخش خصوصی، سر کار بودن مدیران سابق و تداوم اذیت و آزار کارگران، حقوق های معوق مانده، اخراج و عدم تمدید قراردادها است. کارگران می گویند با اینکه حکم خلع ید چند ماه است اعلام شده اما اجرائی شدن آن معلق شده و عملاً دست کارفرمای فاسد را برای ادامه کار باز گذاشته اند. همینطور تلاشهای زیادی از جانب هیئت مدیره و مالکان هفت تپه برای سند سازی و لابیگری صورت میگیرد که حکم خلع ید را تغییر دهند.

در این میان اسماعیلی سخنگوی قوه قضائیه امروز گفت تا دو هفته دیگر بخشی از حکم پرونده های هفت تپه اعلام می شود. همزمان که در بالا تلاش می شود که جرم کارفرما تفکیک شود، مثلاً اختلاس ارزی از مسائل مالکیت و خلع ید تفکیک شود، یکسال است که بررسی بزرگترین پرونده اختلاس در ایران متوقف شده و خاک میخورد. کارگران به این امر بشدت معترض و مشکوک اند، تحرکات کارفرما و حامیانش را می بینند و خواهان محاکمه و مجازات اسدیگی و بیرون انداختن فوری مدیران سابق از هفت تپه هستند. کارگران امروز اعلام کردند:

"تا رسیدن به مطالبات زیر اعتصاب ادامه دارد: اخراج فوری کارفرمای خلع ید شده و محاکمه مختلسین، پرداخت فوری حقوق معوقه همه همکاران، تمدید فوری قراردادهای تمام همکاران به ویژه دفع آفات، بازگشت به کار همکاران اخراجی، واکسیناسیون عمومی، سریع و رایگان در مقابل کرونا".

حکومتی ها تنها با ایستادگی و اعمال فشار کارگران تن به خلع ید از عزیز دردانه شان دادند و تنها با تداوم ایستادگی و فشار کارگران ناچار به اجرای حکم خلع ید و پاسخگو شدن به دیگر خواستهای برحق آنها خواهند شد. حاصل لابیگری و بده و بستان دولت و کارفرما و نهادهای قضائی در احکامی که بزودی اعلام می شود خود را نشان میدهد. احکامی که اگر مغایر با میل کارگران باشد، شیپور اعلام جنگ جدیدی باید تلقی شود و بدون تردید نبرد سختی آغاز خواهد شد. آنچه هفت تپه ای گفتند و انجام دادند، یعنی خلع ید از کارفرمایان بخش خصوصی، امروز یک خواست مهم کارگران نفت و گاز و پتروشیمی ها و بخش مهمی از طبقه کارگر ایران است. امروز شعار خلع ید از پیمانکاران، الغای شرکتهای پیمانی، انعقاد قرارداد مستقیم با شرکت ها و وزارتخانه های ذیربط، از خواستهای سراسری جنبش کارگری ایران است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از اعتراض و اعتصاب کارگران

دو واقعه، یک انتخاب!

آزادی پوشی یک حق پایه ای

پروین کابلی

بازگشایی و افتتاح یک مغازه پارچه فروشی که زنان با لباسهای مختلف بعنوان مدلینگ شرکت کرده بودند، ارتجاع اسلامی را وادار نمود که با دستگیری سه زن مدل و مرد صاحب مغازه و پلمپ این محل، ظاهراً قال قضیه را بکند و به دیگران هم درسی داده باشد! عوامل رژیم، دلیل این اقدام شنیع خود را با "عدم رعایت عرف و اخلاقیات نامتعارف و حضور زنان بدون رعایت موازین شرعی" توجیه کردند.

همزمان با این اتفاق در مهاباد، صدها ایرانی که اکنون مدتی است برای خرید واکسن کوئید ۱۹ به ارمنستان روی آورده اند، در میدان بزرگی دست به رقص و پایکوبی زدند. فیلمهای پخش شده از محل تجمع نشان میدهد که چگونه زنان و مردان با لباسهای مختلف بدون پوشش اسلامی در کنار هم به شادی و آب بازی مشغولند.

رژیم اسلامی ایران، درست در همین روزها، با برادران قاتل و ضد زن خود طالبان در خوش و بش و گپ دوستانه است. از این مرتجعین باید پرسید کدام "عرف و اخلاقیات"! عرف و اخلاقیات قبیح و ارتجاعی شما؟ به مجموعه این عرف و اخلاقیات باید تف کرد. اخلاق البته در هر جامعه در اساس همان اخلاقیات حاکم است و منافع طبقات حاکم را پاس می دارد. این همان عرف و اخلاقیاتی است که در آن آزادی پوشش ممنوع است، اعدام و سرکوب پاسخ اعتراض است، گروگان گرفتن زندگی مردم در نبود غذا و دارو و درمان روال است. تنها هنر اینها زدن و گرفتن و بستن و کشتن است. این عرف و اخلاقیات بوی گندش دنیا را برداشته است. وضع دختران ایرانی در منطقه را نگاه کنید، تن فروشی و برده داری و هدیه دادن رسم شده است، ببینید مردم را به چه مرتبه ای از "اخلاقیات متعالی" سوق داده اید! خجالت بکشید جنایتکاران از گور برخاسته، این عرف و اخلاقیات شنیع شماست که با هجوم به زنان بدلیل کنار رفتن چند میلیمتری حجاب اسلامی یا بی حجابی صورت خود را با سیلی سرخ می کنید. این اخلاقیات گندیده شماست، به ما و مردم آزادیخواه و جامعه امروز ایران هیچ ربطی ندارد.

جمهوری اسلامی تلاش می کند که جواب اعتراض به فقر و تنگدستی، بیماری و نبود واکسن کرونا، فساد و رشوه خواری کل حکومت، و دهها درد دیگر را با اعدام و سرکوب و دستگیری بدهد. اما واقعیت های روزمره و گسترش اعتراض در جامعه، به میدان آمدن دهها هزار کارگر و زحمتکش برای گرفتن حقوق های پرداخت نشده و بالا رفتن قیمت مایحتاج روزمره، شرایطی انفجاری را بوجود آورده است که رژیم کاملاً بر آن واقف است و حکومت را به پرتگاه سقوط کشانده است.

آنچه که در مهاباد اتفاق افتاد یک اتفاق غیر معمول نیست، مدتهاست که

به هیچ گرفتن قوانین و سرپیچی آگاهانه از آن و ابراز تنفر از هرآنچه که اسلامیست، به نرّم جامعه تبدیل شده است. نه گفتن جامعه امروز و پیشرو ایران به سنت های متحجر و فرهنگ عقبمانده اسلامی، تاریخی به قدمت رژیم اسلامی دارد و تلاش چهاردهه رژیم برای اسلامیزه کردن جامعه ایران با شکست روبرو شده است. مردم در

همه این سالها هر جایی که برایشان امکان داشته است، فرهنگ عزا و ممنوعیت شادی را با شکست روبرو کرده اند و با حجاب اسلامی بعنوان سمبل آپارتاید جنسی به مقابله برخاسته اند. پایکوبی و شادی در ارمنستان نشان میدهد که هر جا ایرانی ها حضور پیدا می کنند، بلافاصله "عرف و موازین شرعی" را لگد مال و فراموش می کنند.

اما اتفاق مهاباد در سوشیال میڈیا واکنش های مختلفی را بدنبال داشت. مردم متمدن و متجدد به دفاع از دستگیرشدگان و حق انتخاب پوشش پرداختند و بر اهمیت این حق پافشاری کردند. طرف دیگر این بحث کسانی بودند که "ناموس" شان بشدت لطمه خورده بود و با بیحرمی و فحشهای رکیک تلاش نمودند صورت مسئله را عوض کنند. در جامعه ای که رژیم اسلامی هر روزه آزادیهای فردی را بشدت مسدود و مورد حمله قرار میدهد و مردم بطور مدام زیر بمباران تبلیغات و آموزش مذهبی قرار دارند، سنت های عقب مانده امکان رشد و ابراز وجود پیدا می کنند. مردسالاری یکی از دردهای مزمنی است که جامعه ایران با آن روبرو است و سلطه قوانین آپارتاید جنسی هم بی حقوقی و ستم بر زنان را به یکی از ویژگیهای جامعه ایران تبدیل نموده است. ایران جزو کشورهایی است که تجاوز جنسی به کودکان تحت عنوان "عقد شرعی" و کشتن شدن زنان بدست عزیزانشان موقعیت ویژه ای به آن داده است. اما این تمام حقیقت نیست. طرف دیگر حقیقت یک جنبش دهها میلیونی رزمنده و ضد دین و ضد حکومت است. مردمی که در ارمنستان فرصتی چند روزه یافتند، نشان دادند که نبود حاکمیت قوانین سرکوب اسلامی، معادل است با زیر پا گذاشتن تمام عیار عرف و اخلاقیات حاکم!

آنچه که در متن جامعه ایران در جریان است، کشمکش دو آلترناتیو است. آلترناتیوی که ما کمونیستها و طبقه کارگر و جنبش آزادی زن یک طرف آن قرار می گیریم و طرف مقابل آن نیروهای عقب مانده، اسلامی و بخش مهمی از نیروهای اپوزیسیون راست هستند که بدرجات مختلف از همین فرهنگ حاکم تبعیت می کنند. جریانات ناسیونالیسم کرد که تلاش میکنند با بند و بست با جمهوری اسلامی و یا نوکری ترامپ دست شان به ریاست فرمانداری و استانداری در کردستان برسد، همانها که از تشکیل حکومت اقلیم کردستان عراق و اقدامات ضد زن آن در چند دهه گذشته به وجد آمدند، در باره دستگیری و حمله به زنان در مهاباد دچار سکوت عظمی شدند، زیر سیلی رد کردند، خود را قاطی "مسائل غیر مهم" نکردند. در عوض هواداران شان به دامن زدن به تشنج های ناموس پرستانه و کوردی خویش مشغول شدند. گشت ارشاد مجازی ناسیونالیستها به زنانی که لباس دیگری غیر از لباس کردی پوشیده بودند، کارت قرمز داد!



تجمع بزرگ و سراسری بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی

یکشنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۰
ساعت: ۱۰:۳۰ صبح

تهران: مقابل سازمان برنامه و بودجه. میدان بهارستان
خیابان انقلاب. خیابان صفا علیشاه. خیابان دانشسرا
شهرستانها: مقابل اداره گل تامین اجتماعی

افزایش حقوق بازنشستگان که البته ناقص هم
انجام شده موجب تورم نیست

دو واقعه، یک انتخاب!

آزادی پوشش یک حق پایه ای ...

برای ما کمونیست های کارگری و زنان و مردان برابری طلب این اتفاق ساده نبوده و نیست. حق پوشش و آزادی های فردی و اجتماعی یک حق ابتدایی و بدون قید و شرط است و این یک ویژگی و تفاوت ما را از آلترناتیو راست را نشان می دهد. از این حق نباید کوچکترین عقب نشینی نمود و نباید به سنت های ارتجاعی و عقب مانده مردسالار تن داد. ما بدون هیچ قید و شرطی، همانطور که از مردمی که در ارمنستان در فضایی که برای رقصیدن بدست آوردند دفاع می کنیم، به همان اندازه از دستگیرشدگان مهاباد هم دفاع می کنیم. ما نماینده و صدای مردمی هستیم که زندگیشان در رژیم جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده است. تنها ما کمونیست ها هستیم که خواهان دخالت فعال همه مردم در سرنوشت خود هستیم. آزادی پوشش یکی از ابتدایی ترین حقوق فردی و اجتماعی است که ما در ایران بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی با تضمین قوانین حمایت از زنان به اجرا درخواهیم آورد. دولت انقلابی کارگری کلیه این قوانین را ملغی و اصل برابری زن و مرد در تمام شئون اجتماعی از جمله آزادی پوشش را اعلام و جاری می کند. دخالت در زندگی و نوع و مقدار پوشش مردم ممنوع! دست مردسالاران و اسلامی ها از زندگی زنان کوتاه!

برای آزادی دستگیرشدگان مهاباد تلاش کنیم، با اعتراض و تجمع در مقابل زندان خواستار آزادی فوری و بیقید و شرط آنها شویم.

۱۵ جولای ۲۰۲۱

از فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!

دشمنان کارگران هفت تپه، نهاد های حکومتی و امنیتی، برای فرزانة زیلابی وکیل شرافتمند کارگران هفت تپه پرونده سازی کرده اند. فرزانة زیلابی تنها بعنوان یک وکیل از کارگران هفت تپه صمیمانه حمایت کرده است. اما به همین دلیل به وی انواع اتهامات واهی منتسب کردند. پرونده خانم زیلابی علامت "محرمانه" خورده و حتی خود وی از چند و چون اتهامات اطلاع ندارد.

این اقدام انتقام از کارگران هفت تپه و سرکوب وکلای شرافتمندی است که از مردم کارگر و زحمتکش دفاع می کنند. از فرزانة زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-Communist Party of Iran - HeKMATi

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!



COVID-19
Vaccine
رایگان
تعداد کمی
باقی مانده
برای همه

واکسیناسیون رایگان

با استانداردهای بهداشت جهانی،
حق فوری کلیه ساکنین ایران است!

شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست





بازداشت زنان در مهاباد و لکنت زبان ناسیونالیسم کرد!

ملکه عزتی

برخوردار است. موضع اینها مصداق بارز شریک دزد و رفیق قافله است. آنجا که بحث حقوق زن به میان میاید باید مواظب رنجش همفکران و شرکای آینده باشند. چراغ سبزه‌های این صف به جمهوری اسلامی در قالب کامنتهای اینستاگرامی دیدنی است. میفرمایند "آزادی را با بی بند و باری نباید اشتباه گرفت"، "زن کُرد در سرزمین قاضی محمد مدل بشود آنهم نه فقط مدل لباس کردی بلکه لباس فارسی هم!" این حرکت "قابل بخشش" نیست. در میان دهها پست اینستاگرامی در ذیل عکس‌های مراسم افتتاح مغازه بیشترین کامنتها در تقبیح، نکوهش و سرزنش این "زنان خاطی و خائن به کردستان و وطن کردی" است. این نفرت پراکنی ناسیونالیستی علیه زنان و شهروندانی است که نه مال کسی را خورده اند، نه دزدی و اختلاس کرده اند، نه در فروش مواد مخدر و قاچاق کالا دست داشته اند، نه آب و برق هیچ شهری را قطع کرده اند، نه وعده دروغین و اکسیناسیون به مردم داده اند و نه دستشان به خون کسی آلوده است.

ناسیونالیست‌ها که عادت دارند در نقش قیم جامعه هراز چندگانهی اظهار نظر کنند و موضع بگیرند، سال گذشته در جریان "توهین" به لباس کردی و ربط دادن فرنجی به لباس چوپانی در یک برنامه تلویزیونی، به تکاپو افتادند و آنچه که در "توان ملی" شان بود انجام دادند تا از "قداست و اصالت فه رنجی" دفاع کنند و الحق کم نگذاشتند و فه رنجی را با عزت و احترام به جایگاه واقعی خود برگرداندند! اما این عناصر فرصت طلب و نان به نرخ روز خور که برای فه رنجی خونشان به جوش آمده بود و شاخ و شانه میکشیدند، "توهین" به ساحت لباس کُردی را تحمل نمی کردند و در فضای مجازی هل من مبارز می طلبیدند، امروز در مقابل بازداشت زنان "کُرد" زبانشان بند آمده است. دست شان نمیروند که برای دفاع از حق شهروندی، اختیار پوشش و علیه قلدری جمهوری اسلامی در بازداشت این شهروندان زادگاه قاضی محمد یک اعتراض قلمی خشک و خالی نکنند. برعکس، هوداران سینه چاکشان با رگ گردن بیرون زده مدعی اند این "بی بند و باری" را نباید تحمل کرد! بیکدم فاصله دارند با تقاضای اشد مجازات از برادران عقیدتی در دادستانی نامحترم مهاباد!

این طیف غیور ناسیونالیست چنان از این آبروریزی غیر قابل بخشش نمایش مدلینگ برآشفته شده اند که تو گویی همه مصیبتهای جامعه از کرونا تا فقر و گرانی و معیشت زیر خط فقر و کشتار کولبران و زندانیان سیاسی زیر سر این زنان است و عامل همه این مصایب کسی نیست جز این زنان بی حجاب با لباس کردی و فارسی که آزادی را اشتباه فهمیده اند! یکی از درد دختران کوبانی مینویسد و یکی از "شیر زنان کُرد" که باید در حفاظت از فرهنگ اصیل کُردی با از جان گذشتگی پا به عرصه نبرد بگذارند. اینجاست که باید

چند روز پیش در شهر مهاباد یک پارچه فروشی برای افتتاح مغازه اش و معرفی نوع دیگری از لباس "کردی" یک فشن شو یا نمایش مُد برگزار میکند و از چند مانکن زن برای این بازگشایی دعوت میکند. کاری که امروزه برای جلب مشتری و معرفی کالاهاى جدید در همه جای دنیا انجام میشود. با توجه به عکسهایی که در فضای مجازی از این مدلینگ شو دیده میشود، هدف این صاحب مغازه هم استفاده از این شیوه بوده است. اما شاید دنباله روی از منطق بازار و تبلیغات، همینطور بی توجهی عمومی به قوانین اسلامی آنهم در کردستان، جانی برای واکنش قوانین سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و بدتر از آن افکار پوسیده و عقب مانده ناسیونالیسم کرد باقی نگذاشته است.

تا آنجا که از فیلم و عکسها دیده می شود، این فشن شو زنانه بوده و هیچ مردی در مراسم معرفی لباس حضور نداشته، اما این برای جمهوری اسلامی علی السویه است و اهمیت چندانی ندارد! نفس اینکه عکس‌ها به فضای مجازی راه پیدا کرده، دین مسلمانان با خطر جدی مواجه شده است! زنان بدون حجاب و چادر با موهای آراسته و صورتهایی آرایش شده و زیبا در مقابل دوربین ظاهر شدند، چه مصیبتی بزرگتر از این؟ سربازان امام زمان و مامورین مبارزه با "فساد اخلاقی جامعه" یورش میبرند، مغازه را پلمپ میکنند و زنان "خطاکار" و "ساحره" را بازداشت و بلاد اسلامی را از شر "فسق و فجور و ناپاکی" نجات داده اند!

ما جمهوری اسلامی را خوب میشناسیم. از ضدیتش با زنان به خوبی آگاهیم، ناف این حکومت با آپارتاید جنسی و سرکوب زنان از اسفند ۵۷ بریده شد. پایه‌ها و بنیاد این حکومت به حجاب زنان گره خورده، بارها گفته ایم و تکرار میکنیم این حکومت تا مغز استخوان ضد زن است. سرکوب زنان با حجاب اسلامی و قتل و سنگسار و شلاق و حذف آنان از همه عرصه‌های اجتماعی، یکی از ارکانهای اصلی در قدرت ماندن این حکومت ضد زن است. بیلبوردهای تبلیغاتی رعایت حجاب را نگاه کنید. مینبید این قلمرو از چه اهمیتی برای سران جمهوری جنایت برخوردار است. ما جنگمان را با جمهوری اسلامی در همه عرصه‌ها و از جمله در مبارزه زنان برای برابری و رفع تبعیض روزانه به پیش میبریم و هر دو طرف این جنگ آشکارا در مقابل هم قرار گرفته اند. این مبارزه ای به درازای عمر نکبت بار جمهوری اسلامی است.

ناسیونالیسم ضد زن است

در این میان اما موضع ناسیونالیستهای دو آتسه کرد دیدنی است. ما کمونیستها ظاهرا باید این جدال را با جمهوری اسلامی و صف ناسیونالیزم کرد همزمان پیش ببریم. این صف در بزنگاههای تعیین کننده، گاه با اعلام موضع و گاه با سکوت معنا دار نشان میدهند بحث آزادی و برابری زن و مرد برای آنها از چه ارزش مصرفی

مجبور کنید پوسیدہ تر از آن است کہ بشود احیایش کرد. زنان مدرن و پیشرو در جامعہ کردستان با افکار پوسیدہ و باورهای ارتجاعی شما از کردستان و تصویر زن در آن جامعہ قرنہا فاصلہ دارند.

زنان و مردان آزادیخواہ و برابری طلب کردستان!

از دریچہ این واقعہ می توانید یکبار دیگر بہ کراہت مشترک اسلام و ناسیونالیسم نگاہ کنید. بہ ضدیت بنیادی شان علیہ زن و برابری زن و مرد نگاہ کنید. بہ فرہنگ عشیرہ ای و کپک زدہ خیرہ شوید. بہ مقدسات ملی و میہنی و مذہبی و اسلامی و اشتراک شان در ضدیت با زنان توجہ کنید. و شما احزاب ناسیونالیست کہ خودتان را رہبران خودگماردہ جامعہ فرض کردہ اید، کمی رشد کنید، متمدن شوید، ہنوز در عہد بوق سیر می کنید، بہ ہواداران ادب و معاشرت سیاسی یاد دہید، بہ زنان توهین چارواداری نکنید!

دفاع از برابری و آزادی زن بی اما و اگر و بیقید و شرط است، این امر و شعار قدیمی کمونیسٹ است. ناسیونالیسم لیاقت این آزادیخواہی را ندارد بہ ہمین دلیل تاریخاً ضد زن بودہ و ضد زن خواہد ماند.

۱۵ جولای ۲۰۲۱

اطلاعیہ کمیٹہ کردستان حزب حکمتیست

در محکومیت ترور ریبن رحیمی پناہندہ سیاسی در سلیمانہ

بنا بہ اطلاعات و اخبار رسیدہ بہ کمیٹہ کردستان دیروز ۱۴ جولای ریبن رحیمی پناہندہ سیاسی ساکن شہر سلیمانہ در اقلیم کردستان در حین کار روزانہ در کارگاہی در منطقہ ژالہ اطراف شہر سلیمانہ توسط آدمکشان جمہوری اسلامی مورد سو قصد قرار گرفتہ و پس از انتقال بہ بیمارستان متأسفانہ جان باختہ است.

جمہوری اسلامی طی ۴ سال گذشتہ بدنبال فشار و گسترش اعتراضات و نارضایتی مردم، دستگیری و زندان و اعدام و ترور فعالین را در داخل گسترش دادہ و در خارج کشور نیز با نقشہ ترور و آدم ربایی سودای ناامن کردن فضای سیاسی علیہ فعالین اپوزیسیون را در سر می پروراند. در سالہای گذشتہ بہ دلیل حضور فعال دستگاہہای امنیتی و اطلاعاتی جمہوری اسلامی و نزدیک و ہمکاری احزاب حاکم در اقلیم کردستان با رژیم اسلامی، تہدیدات علیہ فعالین اپوزیسیون بیشتر شدہ و تاکنون تعدادی فعال سیاسی مخالف رژیم بہ دست جنایتکاران اسلامی ترور شدہ اند.

کمیٹہ کردستان حزب حکمتیست ترور ریبن رحیمی توسط تروریستہای جمہوری اسلامی را بہ شدت محکوم می کند و از ہمہ سازمانہا، احزاب و فعالین سیاسی در خارج کشور می خواہد کہ ضمن ہوشیاری و شناسایی و معرفی عوامل حکومت اسلامی، علیہ تہدیدات و تحرکات آنان ساکت نیابند.

مرگ بر جمہوری اسلامی

زندہ باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیٹہ کردستان حزب حکمتیست

۲۴ تیر ۱۴۰۰

بازداشت زنان در مہاباد

و لکنت زبان ناسیونالیسم کرد ...

صریح و روشن و بی حاشیہ گفت خجالت بکشید! شرم یک خصلت انقلابی است کہ صد البتہ شما از آن بہرہ ای نبردہ اید. شما دم خروس مرد سالاریتان از زیر ہر بیرق و ادعایی در چنین بزنگاہہایی چنان بیرون میزند کہ با ہیچ مدرک و مستندی نمیتوانید آن را انکار کنید. در قتل های ناموسی ساکت ہستید، در خشونت و تجاوز و زن آزاری و خودکشی های بیشمار زنان در کردستان ساکت ہستید، در ہرآنچہ کہ با آزادی و برابری زن و مرد مربوط است حرفی برای گفتن ندارید. شما نمیتوانید با ادعای حق ملت گرد و پرچم کردی در ہوا چرخاندن سرتان را زیر برف بکنید و متوقع باشید مردم محروم کردستان شما را باور کنند. شما در باورہایتان حداقل در این رابطہ مشخص فرق اساسی با جمہوری اسلامی ندارید، آدرس اشتباہی ندهید. مشغلہ شما آزادی و برابری زن و مرد و آحاد جامعہ نیست. ما گفتہ ایم و مدعی ہستیم در ناصیہ شما جز سازش با این حکومت ہیچ پراتیک شاخص دیگری نوشتہ شدہ است. شما کافی است حکم شہرداری مہاباد را بگیری، زن و زندگی و حقوقش را برای بدست آوردن دو پست دیگر معاملہ میکنید!

شما در صندلی پوزیسیون و اپوزیسیون ہم در ایران و ہم در اقلیم کردستان امتحانات را پس دادہ اید. قتل ہزاران زن در اقلیم کردستان خیلی روشن نشان داد مردسالاری آغشته بہ مذہب وجہ مشترک ناسیونالیسم کرد و مدینہ فاصلہ حکومت کردی است. حضور و نقش زنان در بہترین حالت جہت تزیین صحنہ و عکس گرفتن در مقابل دوربین های دموکراسی و حقوق بشری لازم است و کارایی دارد. زن برای شما همان ابزاری است کہ بطور معمول بورژوازی از آن بہرہ میجوید، اگر ہر کدام از این زنان با حمل یکی از نمادہای شما بازداشت میشد یا مورد تعرض قرار میگرفت آنوقت این اتفاق را در بوق و کرنا میکردید و برای کسب امتیاز فوراً بہ وسط صحنہ می آمدید. اگر این زنان با "کہ وا و پانتول" در خیابان رژه میرفتند با افتخار از "شیر زنان گرد" عکس و رپرتاژ تہیہ و پخش میکردید، اما امروز در مقابل بازداشت این زنان خودتان را بہ کری و کوری زدہ اید. حکومت اعدام و قدارہ بندانش چند زن را بازداشت کردہ و مورد تعدی قرار دادہ اند، محل کسب و کار انسانہای بیگناہی پلمپ شدہ، با آنها بہ مثابہ مجرمین خطرناک رفتار میشود کہ باید در بند و زنجیر باشند و شما در تقبیح این انسانہای بیگناہ "گرد" کم نگذاشتہ و گوی سبقت را از جمہوری اسلامی ربودہ اید!

نہ جمہوری اسلامی و نہ شما مدعیان دروغین آزادی نمیتوانید در مقابل سیر تغییر و تحول فرہنگی در جامعہ کردستان و خصوصاً حق اختیار پوشش انسانہا و مدرنیسم جامعہ بایستید. رویای بازگشت بہ دوران این و آن سرکردہ و رئیس عشیرہ در کردستان بہ پایان رسیدہ است. الگوی زنان در کردستان شیر و ببر و پلنگ نیستند. زنان حق دارند آنطور کہ میخوانند زندگی کنند و آنطور کہ دوست دارند لباس بپوشند. عرف و عادت کہ شما و سرکوبگران حکومتی میخواہید زنان را بہ رعایت آن



معادل نصف مصرف روزانه برق در خانه های مردم از بین می رود و به مقصد نمی رسد. نیروگاه اتمی بوشهر که قدیمی ترین و بزرگترین نیروگاه تولید برق در ایران است روزانه فقط ۱ و ۲ دهم درصد برق ایران را تولید می کند و آنهم در ماههای گذشته مسئول این نهاد اعلام کرد که به دلیل استهلاک و عدم جایگزینی قطعات جدید با تعطیلی روبرو است. بهانه، تحریم و کند بودن معاملات بانکی!

با توجه به رشد تکنولوژی در تولید برق، تولید برق سالم از طریق انرژی آفتاب و سیستم بادی و ترکیبی بسیار به صرفه تر از تولید برق در نیروگاههای اتمی است و علاوه بر آن محیط طبیعت را آلوده نمی کند. ایران در سال ۳۰۰ هزار روز آفتابی دارد و استفاده از تکنولوژی انرژی آفتابی برای تولید برق سالم ممکن و عملی است اما در اولویت دولت جمهوری اسلامی نیست. طبق برآورد کارشناسان، کشور ایران برای تعویض زیر ساخت اقتصادی و تکنولوژی سیستم و تولید برق سالم نیاز به ۱۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری دارد. این کار برای کشوری که بر دریایی از ثروت نشسته است کار آسانی است و به راحت به تکنولوژی آن نیز دسترسی دارند. مسئله این است که رفاه و آسایش و سلامت مردم هیچوقت اولویت دولتهای جمهوری اسلامی نبوده است به این دلیل جامعه ایران بعد از گذشت ۴۲ سال از عمر این دولت بی خاصیت با این بحرانهای متفاوت و لاینحل روبروست.

جمهوری اسلامی برای پروژه سرپا نگاه داشتن و بقای خود پول کم نمی آورد. برای حوزه های تبلیغ جهالت اسلامی و تولید خرافات و مسجد سر کیسه را شل می کند. برای حرم رضا و گنبد طلای نجف و تولید موشک پول دارد و دریغ نمی کند. برای گسترش دستگاه سرکوب سپاه و بسیج و اطلاعات و امنیت بودجه کم نمی آورد و میلیارد میلیارد پول اختصاص می دهد. در این میان میزان دزدی و فساد و اختلاس مقام اول جهانی را دارد، معلوم است چرا پول نیست، و نهایتا بیشترمانه این کمبودها را به تحریم ربط می دهند.

جواب مردم به این کمبودها اعتراض و اعتصاب است. بحران، پشت بحران و کمبودها، زندگی اکثریت کارگر و مردم زحمتکش را فلج کرده است. برق و آب و گاز و محیط زیست سالم، رفاه و امنیت و آسایش و واکسن رایگان حق همه مردم است و دولت موظف به تهیه و ارائه آن است. سودپرستی اقلیتی انگل و مفتخور و دولت جنایتکار و بی لیاقت این حقوق اولیه را از مردم سلب کرده است. مردم نیازی به تولید اتم و موشک ندارند. نان و تامین معیشت دغدغه روزانه مردم است. گسترش اعتراض و اعتصاب و فشار اعتراض توده ای و کارگری و در تنگنا قرار دادن رژیم اسلامی تنها راه ممکن برای خروج از این تنگناهای اقتصادی، معیشتی، محیط زیستی، فرهنگی و روانی است. این رژیم را باید از سر راه برداشت و این عزم مدتهاست که راه افتاده و می رود که کار را تمام کند.

۱۵ جولای ۲۰۲۱

کمبود برق،

مقصر جمهوری اسلامی است

سعید یگانه

درد و مشکلات و ناملایمات زندگی مردم کم است حالا بحران برق هم به آن اضافه شده است. کمبود برق، بحران آب، کمبود گاز، نابودی محیط زیست، کرونا و کمبود واکسن آرامش و امنیت را از مردم سلب کرده است. مدتی است که کمبود برق و خاموشی متداول زندگی مردم را در گرمای سوزان تابستان با مشکلات جدی روبرو کرده است. کسب و کار مردم دچار مشکل شده است، بیمارستانها تحت فشارند و دولت جمهوری اسلامی هم مثل همه موارد فقط در فکر توجیه ناکارآمدی و نالایقی خود است و مشکل را به گردن مردم می اندازد. با وجود جیره بندی برق و اعلام لیست خاموشی ها، قطعی های بی رویه و گسترده برق در روزهای گذشته به اعتراضات وسیعی در شهرهای مختلف دامن زد و در مواردی مردم ادارات برق را اشغال کرده اند.

با وجود واردات برق از سه کشور ترکمنستان، ارمنستان و آذربایجان به گفته مصطفی رجبی مشهدی سخنگوی صنعت برق ایران، به دلیل گسترش هوای گرم هنوز باید منتظر خاموشی های بیشتر بود. مقامات جمهوری اسلامی بدون اشاره به دلیل اصلی قطع و جیره بندی برق در ایران از جمله فرسودگی سیستم تولید و انتقال و توزیع برق، مصرف برق زیاد برای استخراج رمز ارزهای دیجیتال توسط نهادهای نظامی و امنیتی و سرمایه گذران، عدم سرمایه گذاری لازم و به موقع در صنعت برق در توجیه این شرایط برمی آیند و تقصیر را به گردن مصرف بالای برق مردم می اندازند.

مطابق برآورد کارشناسان، مصرف برق روزانه در ایران بین ۶۵ تا ۷۵ هزار مگاوات است. میزان تولید برق روزانه با این سیستم کهنه و ناکارآمد ۸۵ هزار مگاوات می باشد و طبق برآوردها تا نزدیک به ۵۰ هزار مگاوات برق روزانه تولید می شود. بنا به ازدیاد جمعیت و مصرف بالای برق روشن است که مردم با کمبود برق روبرو می شوند. دولت جمهوری اسلامی برای جبران کمبود برق باید سالانه ۵۰۰ هزار مگاوات برق تولید کند تا مردم به چنین وضعی گرفتار نیایند، اما دوباره طبق برآورد کارشناسان در چند سال گذشته نتوانسته اند نصف این نیاز را برآورده کنند.

علاوه بر این تولید برق ایران که بیشتر حرارتی و از مایعات نفت و گاز تولید می شوند، باعث آلودگی هوا بخصوص در کلان شهرها می شود و زندگی مردم را با خطرات جدی روبرو کرده است. آلودگی هوا در کلانشهرها سالانه جان هزاران نفر را می گیرد. به این دلیل طبق برآوردی ایران جز ششمین کشور جهان در تولید گازهای گلخانه ای و آلودگی هوا به حساب می آید. تنها ۱۲ درصد از تولید برق ایران آبی است، بقیه حرارتی و طبق برآوردی روزانه ۱۲ درصد از تولید برق هنگام انتقال، به دلیل فرسودگی دستگاهها و سیستم برق رسانی، یعنی



ستون اخبار مبارزات کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

در استان خواهد شد.

تجمع اعتراضی کارگران نانوائی مشهد

روز یکشنبه ۲۰ تیرماه کارگران نانوائی مشهد در اعتراض به سطح پایین دستمزد و درآمد و شرایط بد معیشتی مقابل اتحادیه نانوائیان این شهر تجمع کردند. همچنین روز سه‌شنبه ۲۲ تیرماه نیز کارگران نانوائی مشهد در اعتراض به هزینه‌های سنگین، درآمد پایین و آسیب‌های ناشی از قطع آب و برق مقابل اتحادیه نانوائیان مجدداً دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی کارگران خباز بجنورد مقابل استانداری

روز پنجشنبه ۲۴ تیرماه شماری از نانوائیان و کارگران خبازی در مقابل ساختمان استانداری خراسان شمالی واقع در بجنورد تجمع کردند. تجمع این کارگران در اعتراض به پایین بودن میزان دستمزد، عدم رسیدگی به وضعیت قیمت نان و سایر مطالبات دیگر آنها صورت گرفته است.

آتش‌سوزی در شرکت تولید دارو به مصدومیت ۷ کارگر منجر شد.

شامگاه روز یکشنبه ۲۰ تیرماه، حادثه‌ای در شرکت تولید دارو در منطقه صنعتی آئینه ورزان دماوند به وقوع پیوست و بنا بر گزارشات ۷ نفر از کارگران دچار سوختگی و دود گرفتگی شده‌اند که توسط اورژانس به مرکز درمانی منتقل شدند.

دور جدید اعتصاب کارگران هفت تپه

روز سه‌شنبه ۲۲ تیرماه، دور جدید اعتصاب کارگران هفت تپه در همه بخشها آغاز شد. امروز همچنین بیست و یکمین روز اعتصاب و اجتماع کارگران دفع آفات بود که قراردادهای کار آنها تمدید نشده است. اعتصاب همه بخشها و ادارات مجتمع کشت و صنعت هفت تپه که از روز ۲۲ تیر آغاز شده است، در اعتراض به عدم اجرای رای خلع ید از بخش خصوصی، سر کار بودن مدیران سابق و تداوم اذیت و آزار کارگران، حقوق‌های معوق مانده، اخراج و عدم تمدید قراردادهای آنها است.

کارگران اعلام کردند تا رسیدن به مطالبات زیر اعتصاب ادامه دارد:

- خروج فوری کارفرمای خلع ید شده و محاکمه مختلسین
- پرداخت فوری حقوق معوقه همه همکاران
- تمدید فوری قراردادهای تمام همکاران به ویژه دفع آفات
- بازگشت به کار همکاران اخراجی
- واکسیناسیون عمومی، سریع و رایگان در مقابل کرونا

تجمع و راهپیمایی اعتراضی کارگران شهرداری ها در شهرهای مختلف

روز دوشنبه ۲۱ و روز پنجشنبه ۲۴ تیرماه کارگران خدمات شهری شهرداری اهواز در اعتراض به عدم تغییر وضعیت شغلی و پرداخت

صفحه ۱۱

در حالی که بیست و هفت روز از آغاز اعتصاب سراسری کارگران پیمانکاری نفت می‌گذرد همچنان بخش‌های جدیدی از کارگران نفت به این اعتصاب می‌پیوندند. رانندگان مینی‌بوس‌های خط لوله هفشجان نیز به اعتصاب پیوستند. با احتساب واحدهای جدید تعداد مراکز در اعتصاب به حدود ۱۱۴ واحد رسید.

اعلام حمایت کارگران اعتصابی نفت از تداوم اعتصابات

روز سه‌شنبه جمعی از کارگران اعتصابی پروژه‌های نفتی آلیکو با برگزاری تجمع بر تداوم اعتصاب و ایستادگی بر خواسته‌هایشان تأکید کردند.

-مجامع عمومی کارگران اعتصابی پروژه‌های نفتی در هفشجان، ایذه، و اولاد حاج علی نیز از تداوم اعتصاب تا تحقق خواست و مطالباتشان حمایت کردند.

-در سه‌شنبه شب ۲۲ تیرماه کارگران پروژه‌های نفتی ساکن فولادشهر که هم‌اکنون در اعتصاب هستند در پاسخ به پیام مجامع عمومی همکاران خود در هفشجان و ایذه، با برگزاری اجتماعی ضمن اعلام همبستگی با دیگر همکاران اعتصابی خود و پافشاری بر خواست و مطالباتشان بر ایستادگی در اعتصاب تا زمان تحقق خواسته‌هایشان تأکید کردند.

-روز چهارشنبه ۲۳ تیرماه نیز جمعی از کارگران پروژه‌های شرکت‌های نفتی شهرستان دهدز و جمعی از کارگران پروژه‌های شرکت‌های نفتی شهرستان مسجد سلیمان که در اعتصاب به سر می‌برند در حمایت از دیگر همکاران خود اعلام کردند که تا تحقق مطالباتشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

تجمع اعتراضی کارگران پیمانکاری پتروشیمی خراسان

دوشنبه ۲۱ تیرماه کارگران پیمانکاری پتروشیمی خراسان در اعتراض به وضعیت نامطلوب معیشتی، تفاوت حداقل ۱۵ میلیونی حقوق با پرسنل رسمی، عدم اجرای طبقه‌بندی مشاغل و دیگر مطالبات حقوقی خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارخانه سیمان پیوند گلستان به دلیل قطعی برق تعطیل شد و ۴۰۰ کارگر بیکار شدند

روابط عمومی کارخانه سیمان پیوند در استان گلستان در اطلاعیه‌ای اعلام کرد با توجه به مشکلات اخیر محدودیت برق در کشور و با ابلاغ مقامات ذیربط، فعالیت تولیدی این کارخانه سیمان به طور کامل متوقف شده است. سیمان پیوند تنها کارخانه سیمان استان گلستان است که تولید روزانه آن در شرایط عادی ۳۳۰۰ تن اعلام شده است. در اطلاعیه این کارخانه آمده است با تعطیلی آن علاوه بر ضرر و زیان جبران ناپذیر برای کارخانه موجب بیکاری ۴۰۰ نفر و کمبود سیمان

مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!

ستون اخبار مبارزات کارگری و

حرکت‌های اعتراضی ...

زندانی کردن بازنشستگان معترض
حسین حسن خانی معلم بازنشسته و فعال صنفی معلمان مهاباد برای اجرای حکم ناعادلانه اش، روز شنبه ۱۹ تیر بازداشت و روانه زندان گردید. آقای حسخانی به علت شرکت در تجماعت صنفی معلمان در سالهای گذشته به سه ماه حبس تعزیری محکوم شده بود، حکم ناعادلانه این فعال صنفی به صورت غیابی در دادگاه تجدید نظر تایید شد.

اسماعیل گرامی بازنشسته تأمین اجتماعی همچنان بیش از ۱۰۰ روز است که در بند می باشد. دادگاه او را به ۵ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق و جریمه نقدی محکوم کرده است. اسماعیل گرامی با پیگیری برای معیشتش با اتهامات مضحک و واهی به "اختلال در نظم و امنیت" متهم شده است. او متهم است که مسئولان را مورد پرسش قرار داده که چرا منابع صندوقها نیست و نابود شده اند؟ او متهم است که بلندگو در دست گرفته و از بیمه های ناکارآمد سخن گفته است. بازنشستگان اعلام میکنند که اسماعیل گرامی یک تن از ماست و نباید یک روز هم در زندان باشد. مطالبه ما تجدید نظر در حکم و آزادی بدون قید و شرط اوست.

جان باختن یک کولبر سقزی در منطقه مرزی بانه

صبح روز یکشنبه ۲۰ تیر، بدن بی جان یک کولبر در مرز بانه پیدا شده است. این کولبر سقزی که حامد امین پور نام داشته روز شنبه بر اثر تیراندازی در مرز بانه جانش را از دست داده و روز یکشنبه پیدا شده است. وی صاحب ۶ فرزند، حدوداً ۵۰ ساله و اهل روستای ماهیدر سقز بوده است. ما در برنامه جامعه و کارگران قتل عمدی این کولبر زحمتکش که توسط نیرویهای مرزی انجام گرفته را قویاً محکوم میکنم و به بستگان و دوستانش تسلیت میگویم.

تجمع اعتراضی دامداران خراسانی مقابل اداره جهاد کشاورزی نیشابور

دامداران خراسانی در اعتراض به کمبود و گرانی خوراک دام مقابل اداره کشاورزی نیشابور اجتماع کردند. بحران کمبود و گرانی در خوراک های دام و طیور، مستقیماً به سفره مردم منتقل شده و فشار بیشتر معیشتی و سوء تغذیه ای را به اکثریت مردم تحمیل کرده است.

نشدن حقوق‌های معوق خود برای چندمین بار دست به اعتراض راهپیمایی زدند. در ارومیه نیز کارگران شهرداری ارومیه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و معوقاتشان مقابل شهرداری مرکزی این شهر تجمع کردند. همچنین شماری از کارگران بیمانکاری شهرداری کوی عبدالله هم در اعتراض به عدم پرداخت عیدی و سنوات و سه ماه حقوق خود مقابل فرمانداری شهرستان کارون تجمع کردند. کارگران شهرداری کوی عبدالله در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدیشان، از اولین روزهای ماه جاری (تیرماه) دست به اعتصاب زده و از ادامه فعالیتشان خودداری کرده اند. این کارگران حقوق برج ۹ و ۱۰ سال گذشته، عیدی و سنوات و همچنین حقوق خرداد ماه سال جاری را از بیمانکار شهرداری کوی عبدالله طلب دارند.

تجمع اعتراضی داروسازان

روز دوشنبه ۲۱ تیر جمعی از داروسازان با حضور در مقابل سازمان غذا و دارو نسبت به آیین نامه جدید این سازمان در خصوص تاسیس داروخانه اعتراض کردند. در شیراز نیز جمعی از داروسازان با حضور در محوطه علوم پزشکی شیراز نسبت به این آیین نامه دست به اعتراض زدند.

اعتصاب رانندگان ناوگان مینی‌بوسرانی ارومیه

روز دوشنبه ۲۱ تیرماه رانندگان ناوگان مینی‌بوسرانی داخل و خارج شهری ارومیه در مقابل ساختمان سازمان حمل و نقل استان آذربایجان غربی تجمع اعتراضی برپا کردند. این رانندگان با توقف خودروهای خود دست از کار کشیده و خواستار رسیدگی به مطالباتشان شدند.

اعتصاب رانندگان تاکسیران در گمرک پرویزخان

روز چهارشنبه ۲۳ تیرماه جمعی از رانندگان تاکسیران و کامیونهای حمل مواد سوختی در اعتراض به نرخ پایین کرایه‌ها و عدم توانایی تأمین هزینه ها اعتصاب کردند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان

روز یکشنبه ۲۰ تیرماه جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان مقابل ساختمان این صندوق در اصفهان تجمع کردند. این بازنشستگان خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود هستند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی شهرهای رشت و اهواز

یکشنبه ۲۰ تیرماه جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی همزمان مقابل اداره کل تأمین اجتماعی شهرهای رشت و اهواز تجمع کردند. این بازنشستگان خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود هستند.

کارگران در اعتراضات به

مجمع عمومی متکی شوید!

جنبش مجمع عمومی کارگری

را گسترش دهید!

منصور حکمت و مسئلہ کرد

(سمینار بازخوانی سیاست منصور حکمت در قبال مسئلہ کرد - بخش سوم)

رحمان حسین زاده



بخش اول را به این شیوه جمع بندی کردم، که منصور حکمت در بهار سال ۱۳۶۰ قطعنامه های کنگره دوم کومه له را مورد نقد قرار داد. فرمولبندیهای نادقیق و غلط که منجر به نوعی عدم دخالت گری و پاسیفیسم برای سازمان کومه له در جنبش مقاومت کردستان یا جنبش رفع ستم ملی میشد، بیان کرد و علاوه بر نقد، راه حل پیشنهادی اش را مطرح کرد. بحثهای او چنان کارساز بود که بسرعت رهبر وقت کومه له فراخوان کنفرانس ششم را در شهریور همان سال داد. دیدگاه و اسنادش را تدقیق و قطعنامه های جدیدی مبنی بر دخالت گری جدی در جنبش مقاومت کردستان و جنبش برای رفع ستم ملی و ارائه راه حل موثر حل مسئله ملی را در خود داشت. این تحول مهمی بود. به نظرم چنانکه نقدها و سیاستهای منصور حکمت مطرح نمیشد، آن سیاستهای غیر دخالت گر، بی پاسخی برای مسئله ملی و نهایتاً در جهت منزوی شدن کومه له در جنبش سیاسی کردستان پیش می رفت و بقول منصور حکمت صحنه به تمام معنا برای حزب بورژوازی کرد یعنی حزب دمکرات کردستان خالی میشد. برخلاف پروپاگاند مخالفان و دشمنان منصور حکمت حتی سر مسئله ملی هم منصور حکمت به داد کومه له رسید و نقش نجات دهنده و منحصر بفردی را ایفا کرد. در بخش دوم به نقد و رد طرح توهم برانگیز "خودمختاری دمکراتیک و وسیع" مورد نظر رهبری کومه له از جانب منصور حکمت و سپس ارائه راه حل راهگشای منصور حکمت در کنگره سوم کومه له در قبال مسائل گرهی پیش روی کومه له در کنگره سوم کومه له (اردیبهشت ۱۳۶۱) و از جمله پافشاری بر ارائه حل موثر حل مسئله ملی و پیشنهاد طرح حاکمیت انقلابی در مناطق آزاد تحت کنترل نیروهای سیاسی در کردستان پرداختیم. در اینجا در بخش سوم به مقاطع مهم دیگر از معرفی دیدگاه و طرحهای پیشنهادی و کارساز حل مسئله کرد از جانب منصور حکمت میپردازیم.

بخش اول را به این شیوه جمع بندی کردم، که منصور حکمت در بهار سال ۱۳۶۰ قطعنامه های کنگره دوم کومه له را مورد نقد قرار داد. فرمولبندیهای نادقیق و غلط که منجر به نوعی عدم دخالت گری و پاسیفیسم برای سازمان کومه له در جنبش مقاومت کردستان یا جنبش رفع ستم ملی میشد، بیان کرد و علاوه بر نقد، راه حل پیشنهادی اش را مطرح کرد. بحثهای او چنان کارساز بود که بسرعت رهبر وقت کومه له فراخوان کنفرانس ششم را در شهریور همان سال داد. دیدگاه و اسنادش را تدقیق و قطعنامه های جدیدی مبنی بر دخالت گری جدی در جنبش مقاومت کردستان و جنبش برای رفع ستم ملی و ارائه راه حل موثر حل مسئله ملی را در خود داشت. این تحول مهمی بود. به نظرم چنانکه نقدها و سیاستهای منصور حکمت مطرح نمیشد، آن سیاستهای غیر دخالت گر، بی پاسخی برای مسئله ملی و نهایتاً در جهت منزوی شدن کومه له در جنبش سیاسی کردستان پیش می رفت و بقول منصور حکمت صحنه به تمام معنا برای حزب بورژوازی کرد یعنی حزب دمکرات کردستان خالی میشد. برخلاف پروپاگاند مخالفان و دشمنان منصور حکمت حتی سر مسئله ملی هم منصور حکمت به داد کومه له رسید و نقش نجات دهنده و منحصر بفردی را ایفا کرد. در بخش دوم به نقد و رد طرح توهم برانگیز "خودمختاری دمکراتیک و وسیع" مورد نظر رهبری کومه له از جانب منصور حکمت و سپس ارائه راه حل راهگشای منصور حکمت در کنگره سوم کومه له در قبال مسائل گرهی پیش روی کومه له در کنگره سوم کومه له (اردیبهشت ۱۳۶۱) و از جمله پافشاری بر ارائه حل موثر حل مسئله ملی و پیشنهاد طرح حاکمیت انقلابی در مناطق آزاد تحت کنترل نیروهای سیاسی در کردستان پرداختیم. در اینجا در بخش سوم به مقاطع مهم دیگر از معرفی دیدگاه و طرحهای پیشنهادی و کارساز حل مسئله کرد از جانب منصور حکمت میپردازیم.

پیام شماره ۵ - از: دفتر سیاسی

به: ابراهیم عزیززاده و رحمان حسین زاده

در مورد: برخورد به دو حزب دمکرات

۱ - اقدامات اخیر شما در رابطه با حزب دمکرات را گامی جدی به پیش میدانیم و جهت گیریها و اولویتهای شما در این مورد را تأیید میکنیم.

۲ - صرف نظر از اقدامات عملی برای عادی سازی روابط، بنظر ما توجه و ابتکار عمل ما باید به تهیه و به امضاء رساندن متن بیانیه ای در مورد خودمختاری کردستان، که مضمون اصلی آن را مطالبات عمومی از دولت مرکزی در قبال مساله ملی تشکیل میدهد، معطوف شود. ما انتشار یک سند پایه ای تحت عنوان بیانیه خودمختاری یا چیزی شبیه آن توسط نیروهای دخیل در جنبش ملی را ضروری و عملی میدانیم و فکر میکنیم تنها با وجود چنین سندی پایه ای خواهد بود که اولاً جنبش برای رفع ستم ملی در کردستان قالب اصولی بخود بگیرد و ثانیاً مناسبات نیروهای درگیر در این جنبش، که در عرصه های دیگر مبارزه اجتماعی در برابر یکدیگر قرار میگیرند، بر مبنای اصولی و سیاسی استوار خواهد شد. مضمون چنین بیانیه ای میتواند نکات زیر باشد:

الف- دادن یک تعبیر عامه فهم و قابل قبول از مقوله

خودمختاری، بعنوان نیروئی که خواهان جدائی

منصور حکمت و مسئله کرد

(سینار بازخوانی سیاست منصور حکمت در قبال

مسئله کرد - بخش سوم) ...

و استقلال کردستان نیست و اهداف طبقاتی خود را هم نمیخواهد از مجرای خواست خودمختاری و رادیکالیزه کردن صوری این مطالبه مطرح کند، امضاء کردن چنین سندی برای ما مقدور است.

ب- اعلام شرایطی که تحت آن نیروهای کرد حاضرند به وضعیت جنگی با دولت مرکزی خاتمه دهند.

ج- خواست رفراندوم بر سر خودمختاری و اعلام شرایط آن.

سایر مسائل مورد بحث، مانند نظر آنها و ما در مورد دموکراسی در ایران، محتوای عملی رژیم خودمختار، مناسبات شورائی، آزادی عمل احزاب در کردستان، رفع اختلافات مشخص، اتحاد عمل‌های اطلاعاتی و نظامی و غیره به این سند عمومی و پایه‌ای در مورد خودمختاری مربوط نیست. اینها میتواند موضوع اسناد مشترک و یا جداگانه بعدی باشد که در روند فعالیت احزاب مختلف در کردستان تنظیم خواهند شد. ما باید اهمیت سند خودمختاری برای آینده کردستان ایران را برای حزب دموکرات توضیح بدهیم و انرژی‌مان را در مناسبات متقابل روی جلب آنها به این ایده بگذاریم. دفتر سیاسی در تبادل نظر با همه رفقای صاحب نظر میتواند پیش نویس این سند را تهیه کند. حتی بسیار مفید است اگر ارگان مرکزی حزب مقالاتی در مورد ضرورت و مقدور بودن این کار چاپ کند. در عین حال باید تلاش کنیم که خود حزب دموکرات از ابتدا در تهیه و تنظیم این سند شریک شود و به موضع امضاء سند پیشنهادی کومه‌له سوق داده نشود.

۳ - در غیاب این سند بنیادی و در شرایط حاضر با سیاستهای جاری احزاب بورژوائی در ایران در قبال مسائل اجتماعی و اوضاع سیاسی کشور، امضاء اسناد مشترک، طرح مساله اتحاد عمل‌ها، دادن این تلقی که حزب دموکرات ممکن است با مطالبات کارگری و دموکراتیک ما بدرجه‌ای نزدیک شود و غیره نه فقط مفید نیست بلکه اغتشاش و توهم ایجاد میکند. اگر فشاری برای امضاء اینگونه اسناد از طرف میانجیگران روی ما هست باید با تاکید بر تمایل ما به امضاء یک سند تاریخی و پایه‌ای در مورد خودمختاری جواب بگیرد و با توضیح این واقعیت که در غیر اینصورت هر گونه توافق عملی و عرصه‌ای به سادگی میتواند تحت تاثیر رویدادهای کوچک نقص و بی اعتبار شود.

۴ - ما با برخورد از نظر محتوایی نزدیکتر شما به جریان رهبری /انقلابی موافق نیستیم. ما طرفدار برخورد مشابه به هر دو جریان هستیم. گرمی و سردی روابط روزمره میان ما با این دو جریان نباید جایگاه متفاوت آنها را نزد ما معنی بدهد.

۵ - از نظر ما، با توجه به اساسنامه داخلی و روند انشعاب در حزب دموکرات و سنتهای مشابه کار تشکیلاتی و حزبی در دنیا، جریان سعید بیل در استفاده از نام حزب دموکرات مشروعیت دارد. اعلام مخالفت با زورگونی حزب دموکرات به جریانات دیگر کاملاً ضروری است. اما ذکر فشار آنها به رهبری /انقلابی بر سر تغییر نام بعنوان نمونه روش

غیر دموکراتیک آنها نه برای ما موضوعیت دارد و نه در باره خصلت غیر دموکراتیک این حزب آموزش و اطلاعی به کسی میدهد. خواست ما اینست که کومه‌له کلا وارد دعوی اینها بر سر اسم نشود و هر سازمانی را با اسمی که خود روی خود گذاشته مورد اشاره قرار بدهد.

به نقل از، کتاب "بحران خلیج و رویدادهای کردستان عراق"

اسناد مباحثات و اختلافات درونی جناحهای حزب کمونیست ایران

چاپ دوم: مجموعه یک جلدی دسامبر ۱۹۹۳

این پیام را اگر واریسی کنید، درسهای مهمی در عرصه اتخاذ تاکتیک سیاسی و برخورد سیاسی زنده به وقایع را دارد. از موضع کمونیستی دخالتگر، چهارچوب سیاسی مناسبات با یک جریان بورژوا ناسیونالیست و راست که چند سالی هم در حال جنگ بوده ایم، تعیین میکند. سیاست تاکتیکی مشترک را در قبال مسئله کرد، در چهارچوب سیاست آندوره مان تعیین میکند و حتی برخورد زنده سیاسی به احتمال مذاکره در شرایط و تناسب قوای آن دوره بین نیروهای سیاسی در کردستان با جمهوری اسلامی را پیش بینی و شرایط و پرنسیپهای چنین کار احتمالی را پیشنهاد میکند. اینها درسهای مهمی برای ما دارد. اینجا یک مسئله را تاکید کنم. اگر بیاد بیاورید، سال قبل (۲۰۱۹) بحث مذاکره این چهارتا حزب ناسیونالیست کرد (مرکز همکاری) با دولت مرکزی و جمهوری اسلامی مطرح بود. معلوم است در این تناسب قوا و این شرایط که کل مردم ایران قصد جارو کردن جمهوری اسلامی را دارند، معلوم است این عمل جریانات ناسیونالیست از سر درپوزگی شان در مقابل بورژوازی سراسری و جمهوری اسلامی برای شریک شدن در قدرت سیاسی جنایتکارانه رژیم حاکم، تماماً از سر استیصالشان بود. از سر یأس و ناامیدیشان بود و در این تناسب قوا بین مردم ایران و جمهوری اسلامی مذاکره و احتمال توافق و سازش مذموم و مردود و محکوم است. همان موقع ما بسیاری از جریانات چپ و کمونیست این ترفند دو طرف را افشاء و مردود اعلام کردیم. یعنی در تناسب قوا و شرایط مشخص تاکتیک مناسب را در آن مقطع اتخاذ کردیم.

اما از طرف دیگر در مقابل این سیاست درپوزگی جریانات ناسیونالیست کرد، عده ای به آن ور بام افتاده بودند، که گویا هیچ وقت و در هیچ شرایطی یک حزب چپی و کمونیست یا رادیکال با دولتهای مرکزی بورژوائی و ارتجاعی نباید مذاکره داشته باشد. همانوقع به سهم خود بارها در این مورد یاد آوری کردم، این روش یک بعدی و دگماتیسم غلط است. بلکه یک نیروی سیاسی چپ و کمونیست، در شرایط مشخص و تناسب قوای کنکرت میتواند و لازم میشود، حتی با دولت مرکزی بورژوائی و ارتجاعی بر سر مسائل مشخصی مذاکره داشته باشد. این را در کنگره نهم حزب حکمتیست که در آنجا این بحث مطرح شد، تاکید کردم و تجربه خودمان را دوباره یادآوری کردم.

در نتیجه تا آخرین لحظه ها که ما و شخص منصور حکمت در رهبری حزب کمونیست ایران و کومه له حضور داشت و نفوذ کلام داشت، یک راه حل منسجم سیاسی و به هم پیوسته را برای حل مسئله کرد نشان داد. آن وقت رهبری وقت حزب کمونیست و کومه له از جمله کسی مثل عبدالله مهندی هم ظاهراً با این راه حل کمونیسم کارگری و منصور حکمت مشکل نداشت. اما بعد از جدایی ما شما حجم بالایی از پروپاگاندا سی سال گذشته ناسیونالیسم کرد و از جمله از درون کومه له و همین کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) علیه نقش موثر سیاسی منصور حکمت در رهبری و هدایت آن جریان و

منصور حکمت و مسئله کرد

(سینار بازخوانی سیاست منصور حکمت در قبال

مسئله کرد - بخش سوم) ...

از جمله با شانتاژهایی در مورد برخورد منصور حکمت در قبال مسئله کرد را شاهد هستید. در پایان بحث به این موضوع برمیگردم.

برنامه دنیای بهتر و راه حل مسئله کرد!

بعد از جدایی از حزب کمونیست ایران و تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران، سلسله بحثهای نظری و پایه ای "ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری" از جانب منصور حکمت ارائه شد. تدوین برنامه حزب کمونیست کارگری در دستور بود. کماکان مسئله کرد به عنوان واقعه سیاسی مهم در کردستان ایران و در منطقه مطرح بود و در قبال آن میبایست سیاستمان را دوباره اعلام کنیم.

در سلسله مقالات "ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری" که در سه بخش تدوین شده و در سایت منصور حکمت هم اکنون در دسترس است و در جلد هشتم مجموعه آثارش وجود دارد، (دوستان را به مطالعه و مراجعه به آن دعوت میکنم) به یک بازبینی انتقادی مارکسیستی در برخورد با ناسیونالیسم و برخورد به هویت ملی و مسئله ملی پرداخته شد. همانطور که خیلی های دیگر از میان سوسیالیستها و مارکسیستها به عام و در بین روشنفکران لیبرال و حتی در میان ناسیونالیستها کرد آکادمیک بحث ملت و مسئله ملی را دوباره بازبینی کردند. این مسئله یک ضرورت مهم بود. فروپاشی بلوک شرق اتفاق افتاده بود. سیمای دنیا تغییر کرده بود. در جمهوریهای سابق شوروی و گوشه و کنار دنیا انواع جریانات قوم پرست و ملی گرای تماما ارتجاعی و ضد انسانی سر بلند کرده بودند. ملی گرایی خیلی جاها کاراکترش به نسبت اوایل قرون بیستم فرق کرده بود. اینها بررسی و پاسخ جدید مارکسیستی میخواست. هر مارکسیست تیز بینی میبایست نگاه مجددی به این مسئله داشته باشد. میبایست خلاقانه دوران ویژه ای که در آن به سر می بردیم مورد بررسی و ارزیابی و انتقاد قرار داد. در این چهارچوب این بررسی لازم بود و در پرتو مسائل جهان معاصر، از جمله فرمول "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" از جانب منصور حکمت مورد بررسی انتقادی و مارکسیستی قرار گرفت. حاصلش این نتیجه گیری شفاف مارکسیستی بود که گفته شد. در بطن اوضاع کنونی این فرمول ظاهرا پذیرفته شده نزد مارکسیستها، سراسر است و غیر انتقادی نمیشود، آن را تعمیم داد و بکار گرفت. آنطور که مثلا در مقطع انقلاب اکتبر به عنوان یک تاکتیک سیاسی کارساز از جانب لنین و بلشویکها در جواب به مسئله ملی و برای رفع ستم ملی در روسیه تزاری بکار گرفته شد. منصور حکمت وقتی که بحثهای "ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری" را نوشت، در همان شروع بحثش نوشت. "در مقطع تصویب برنامه حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۶۱ با این فرمول هیچ مشکلی وجود نداشت و پذیرفته شد و در برنامه گنجانده شد. اما الان دوران فرق کرده است. در این دوره جدید با دید شفاف تر مارکسیستی نسبت به مسئله ملی و هویت ملی باید نگاه کرد. بر این اساس آن فرمول حق ملل

در تعیین سرنوشت خویش را بی اما و اگر و بدون قید و شرط در هرکشوری و موردی تحت نام وجود ستم ملی نمیشود، بکار برد. کاربستش عوض شده و باید دقت کرد. از جمله بسیاری از اتفاقاتی که به ویژه در اتحاد شوروی بهم ریخته تحت نام ملی گرایی سر بلند کردند، حرکتهای ارتجاعی محض بودند. برعکس ملی گرایی مقطع انقلاب اکتبر که مثلا پایه اقتصادی، گذر از فنودالیسم به سرمایه داری را داشتند. در مقابل ارتجاع تزاری روسیه قرار میگرفت. در کشورهای دیگری مقابل ارتجاع استعماری و یا امپریالیستی قرار میگرفتند و جنبه های مترقی داشتند. آن وقتها از آن حرکتها طبق فرمول حق ملل در تعیین سرنوشت خویش میشد دفاع میشد. هرچند همان دوران هم ملی گرایی و ناسیونالیسم نهایتا در مقابل کارگر و حق طلبی کارگری هم بود. در دوره انقلاب ۵۷ در جامعه ایران با یک مورد مسئله ملی که آن هم مسئله کرد بود، روبرو بودیم که سابقه و پیشینه داشت. کشمکش سیاسی و نظامی حول آن وجود داشت. خواست رفع ستم ملی در کردستان حق طلبانه بود. می بایست جواب اصولی و سر راست بگیرد. همان پاسخی که در چهارچوب مبحث "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" قبل تر و در بخش اول این بحث اشاره کردم و در کنفرانس ششم کومه له در شهریور ۱۳۶۰ تدوین و ارائه شد. اما چهارده سال بعد از آن دوره و در بررسی انتقادی ملت و مسئله ملی آن هم در بطن تحولات جهانی و کاربست ارتجاعی که بسیاری از حرکتها تحت نام ملی گرایی پیدا کرده اند، در نتیجه فرمول "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" تفسیر بردار و مشکل ساز است. نتیجه گیری این بود، این فرمول را مثل گذشته بی اما و اگر نمیشود هر جا به کار بست. یک نکته را هم تاکید کنم، خیلی از سوسیالیستها و کمونیستها این فرمول "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" را در سطح پرنسبب اصولی و پایه ای کمونیستی میدانند، در صورتی که اینطور نیست. این یک سیاست تاکتیکی است. جهت گیری تاکتیکی در قلمرو سیاست است. مادام که تاکتیک است، قابل تدقیق و تکمیل و بازنگری و نتیجتا قابل تغییر است.

یک نتیجه مهم دیگر این بررسی انتقادی این بود که مسائل ملی جهان معاصر، در هر جا هست، لازمست کنکرت و مشخص مورد بررسی قرار گیرد. منصور حکمت در مبحث "ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری" اشاره میکند، در جهان معاصر ما، مسئله فلسطین، مسئله کرد و مسئله ایرلند (مسئله ایرلند بعدها پاسخ گرفت و الان موضوعیت ندارد) مواردی از مسئله ملی حل نشده در جهان است و با راه حل کار ساز و موثر باید پاسخ درست بگیرند. لذا تا آنجا که به واریسی انتقادی فرمول "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" این بررسی انتقادی صورت گرفته و واضح است تغییر جدی در نگاه ما نسبت به آن به وجود آمده و اکنون دید انتقادی و مارکسیستی روشن نسبت به ناسیونالیسم و هویت ملی داریم. اما تا آنجا که به کار بست "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" در موارد مشخصی مثل مسئله فلسطین و کرد، کماکان آن فرمولبندی میتواند کار بست داشته باشد. در پرتو همین بحثها ما به طرف تصویب برنامه دنیای بهتر در مارس ۹۵ میلادی رفتیم. قبل از تصویب برنامه خط مشی کمونیسم کارگری در قبال مسئله کرد در قطعنامه ای تدوین شد. بعد در برنامه دنیای بهتر، برنامه حزبی ما گنجانده شد. در بحث شفاهی ام گوشه ای از این بخش برنامه را نقل کردم. اینجا امکان هست و کل آن بخش از برنامه منتشر میکنم.

اینجا است، کدام جریان سیاسی حتی ملی گراهایی که سنگ مسئله کرد را به سینه می زنند اینچنین روشن و سرراست راه حل برای مسئله کرد را مطرح کرده است؟ همین جا علاقمندان را به مطالعه بیشتر دیدگاهها و اسناد حزب ما در برخورد به ناسیونالیسم و ملی گرایی و راه حل ما برای حل مسئله کرد فرامیخوانم.

ادامه دارد ...

منصور حکمت و مسئله کرد

(سینار بازخوانی سیاست منصور حکمت در قبال

مسئله کرد - بخش سوم) ...

مسئله کرد

نظر به سابقه طولانی ستم ملی بر مردم کرد در همه کشورهای منطقه و سرکوب خونین خواست های حق طلبانه و جنبش های اعتراضی و خودمختاری طلبانه در کردستان ایران در رژیم های سلطنتی و اسلامی، حزب کمونیست کارگری بعنوان یک اصل، حق جدایی از ایران و تشکیل دولت مستقل از طریق یک پروسه انتخاب آزاد و عمومی را برای مردم کردستان به رسمیت می شناسد و هر نوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از این انتخاب آزادانه را قویا محکوم میکند. حزب کمونیست کارگری خواهان حل فوری مساله کرد در ایران از طریق برگزاری یک رفراندوم آزاد در مناطق کردنشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی است. این رفراندوم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در رفراندوم، انجام شود.

حزب کمونیست کارگری در هر مقطع تنها در صورتی به جدایی کردستان رای موافق میدهد که قویا محتمل باشد چنین مسیری کارگران و زحمتکشان در کردستان را از حقوق مدنی پیشرو تر و موقعیت اقتصادی و مناسبات اجتماعی برابرتر و ایمن تری برخوردار خواهد ساخت. موضع رسمی حزب کمونیست کارگری در هر مقطع بر مبنای یک بررسی مشخص از موقعیت موجود و مصالح و منافع کل طبقه کارگر و مردم کارگر و زحمتکش در کردستان بطور اخص تعیین خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری طرح های مختلف خودمختاری کردستان را که از جانب نیروهای خودمختاری طلب در کردستان ارائه میشود را نه فقط گامی به پیش در امر حل مساله ملی کرد تلقی نمیکند، بلکه آنها را نسخه ای برای دائمی کردن هویت های ملی کرد و غیر کرد در یک چهارچوب کشوری واحد، ابدی کردن و قانونیت بخشیدن به جدایی های ملی و زمینه ای برای تداوم تخاصمات و کشمکش های ملی در آینده ارزیابی میکند.

حزب کمونیست کارگری هر نوع ترتیباتی در مورد آینده سیاسی کردستان را که بدون مراجعه به آراء عمومی خود مردم کردستان و صرفا بر مبنای تصمیمات دولت مرکزی و یا توافقات از بالا میان دولت و احزاب محلی به اجراء گذاشته شود، فاقد مشروعیت و غیرقانونی میدانند.

به نقل از دنیای بهتر، برنامه کمونیسم کارگری

هر ناظر منصفی در مورد این سیاست ما میتواند قضاوت کند. پرسش

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده
ای را همه جا برپا کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را
برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و
فردا ارگان حاکمیت!



طبقه کارگر افتاده است. در ایران باید سر افعی اسلام سیاسی را زمین کوبید.

تقابل با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی بعنوان یک نیروی عمیقاً مرتجع بورژوازی و ضد جامعه، امر کارگر و سوسیالیسم است. مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران!

هولیکان های نژادپرست

همیشه آخر داستان رقابت فوتبالی و هرچه که تن پوشی از ناسیونالیسم دارد به همین جا ختم میشود. تیم انگلیس در پناالتی باخت، سه بازیکن سیاهپوست نتوانستند ضربه شان را به ثمر برسانند و در عوض موجی از لجن و توهین نژادپرستانه از جانب هولیکان های نژادپرست دریافت کردند.

فوتبال بی تقصیر است، فوتبال از نادر ورزش های جمعی و پرطرفدار است. این بورژوازی است که همه چیز را به گند کشیده است. فوتبال ورزش جمعی و مورد علاقه میلیاردها نفر است، اما دقیقاً به همین دلیل، به بیزنس و صنعت سودهای نجومی بدل شده است. بورژوازی فوتبال را به تولید سلبریتی و سوپرمن و قراردادهای نجومی تقلیل داده است. بورژوازی با پرچم های ملی و ناسیونالیسم فوتبال را آلوده و مسموم کرده است که هولیکان های نژادپرست از محصولات جانبی آن هستند.

پشت زرق و برق استادیومها و مسابقات مهم جهانی و قاره ای و کشوری، تلی از اجساد کارگران جانباخته و توحش بورژوازی خوابیده است. بورژوازی فوتبال و ورزش را سیاسی و سیاست را بازاری کرده است.

فوتبال را هم باید از یوغ بورژوازی و تعصبات منحن ناسیونالیستی و نژادپرستانه آزاد کرد. این کار جنبشی است که آزادی و شکوفایی فرد را شرط آزادی و شکوفایی همگان میداند.

۱۲ جولای ۲۰۲۱

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی
کمونست

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

یادداشت ها،

سیاوش دانشور

مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران!

بازگشت طالبان با فرش قرمز آمریکا و پاکستان و جمهوری اسلامی، تنها کابوس زنان و مردم منکوب شده افغانستان نیست، سوالی منطقه ای هم هست. آمریکا بدنبال واقعه ۱۱ سپتامبر با حمله به افغانستان حکومت طالبان را سرنگون کرد. جمهوری اسلامی افغانستان تحفه دمکراسی موشک کروز برای مردم زحمتکش افغانستان بود. سالها فساد و جنایت دولت و لویه جرگه آدمکشان اسلامی، باز به نقطه اول رسید: بازگشت طالبان اینبار با حمایت آمریکا!

دولت آمریکا امروز دنبال تحمیل تعادلی جدید به جنبش اسلام سیاسی هم نیست، بیشتر خواهان یک همکاری با آن است. دیگر حتی آن تقسیم بندی کاذب «فاندمنتال» و «میان رو» که ابزار حمایت و استفاده از یکی و راه انداختن جنگ با دیگری بود، محلی از اعراب ندارد. بازگشت طالبان در افغانستان و تداوم مذاکره با طالبان های تهران، همکاری اینها در جلوس مجدد طالبان و «امارت اسلامی افغانستان»، از یک نیاز مشترک و منافع مشترک سخن میگوید.

در کش و قوس جنگ سرد، اسلام سیاسی این فرصت را پیدا کرد تا بعنوان یک نیروی واپسگرا و دشمن سوسیالیسم و سکولاریسم، توسط آمریکا جلو رانده شود. اسلام سیاسی یک جنبش دینی نیست، یک جنبش سیاسی است، پرچم رقابت و سهمخواهی بورژوازی منطقه از قدرت و استثمار طبقه کارگر است. امروز این جریان حکومت مطلوب بسط و انکشاف سرمایه داری در ایران و منطقه نیست، غرب هم بنا به وضعیت منطقه تا اطلاع ثانوی قصد ندارد خاورمیانه را به محل صدور سرمایه و تکنولوژی تبدیل کند. لذا سازماندهی جنگ و تروریسم، نه فقط ابزاری برای جدال و اعمال فشار به رقبا است بلکه اقتصاد جنگ هم مقرون به صرفه تر و هم پرسودتر است.

حمایت آشکار و مجدد امروز آمریکا از زامبی های سیاسی و تروریست ها، دلایل متعددی میتواند داشته باشد، اما تردیدی نیست که بازگشت طالبان بلوک ارتجاع منطقه، تروریسم و میلیتاریسم، شکاف و دشمنی میان مردم محروم منطقه را تقویت میکند. جمهوری اسلامی با بودن یک حکومت داعشی در بغل گوشش، راحت تر میتواند توی سر مردم بزند.

بیش از پیش، و البته به قیمت بسیار زیاد، برای همگان روشن میشود که آمریکا و دولتهای غربی، دستور کار سکولاریستی در منطقه ندارند. امروز تحقق سکولاریسم هم روی دوش جنبش سوسیالیستی

زنده باد سوسیالیسم!